

راز و رمز نام‌های قرآن

پای صحبت
حجت‌الاسلام والمسلمین
دکتر محمّدین بهرام
محمدیان

گفت‌وگو:
نصرالله دادار



پدیده‌ها و حوادث را تفسیر می‌کند، بررسی شود تا نتایج مطلوب و واقعی و یا نزدیک به آن، به دست آید. به عبارت دیگر، هر محقق یا اندیشمندی و یا اصولاً هر مکتبی، با توجه به جهان‌بینی و چگونگی جهان‌شناسی خود، معانی و مفاهیم خاصی را دنبال می‌کند و شایسته نیست اصطلاحی را بدون در نظر گرفتن ارزش‌های فکری و اعتقادی که بدان متکی است، پذیرفت یا تفسیر و تأویل کرد. مثلاً مفهوم واژه‌هایی هم‌چون «آزادی»، «حق» و «عدالت» در طرز تفکر اسلامی، با مفهوم این الفاظ در اندیشه‌های مغایر با اسلام، تفاوت و اختلاف اساسی دارد. اسلام، عدالت اجتماعی را به صورت یک مفهوم تجربیدی و کلی طرح نمی‌کند که پذیرای هر نوع تفسیر و تأویلی باشد و هر کس با توجه به خاستگاه اجتماعی و جهان‌بینی خاص خویش، آن را تفسیر و توجیه کند؛ بلکه مصادیق و حدود و ثغور آن را ترسیم می‌کند. لذا درست نیست که اصطلاحات خاص یک سامانه‌ی فکری را به سامانه‌ی فکری دیگری که در مبانی اعتقادی و فلسفه‌ی قانون‌گذاری با آن اختلاف دارد، منتقل کنیم و یا به جست‌وجوی آن مفاهیم

قرآن چه نام‌های دیگری به جز این نام دارد؟ آیا «کتاب»، «فرقان»، «تنزیل» و... هم از نام‌های دیگر قرآن هستند؟ آیا در این نام‌گذاری‌ها و وضع این عناوین و القاب، راز و رمزی نهفته است و به نکات دقیق و ظریفی توجه شده است؟ آیا خداوند کتابش را به گونه‌ای متفاوت با عرب، نام‌گذاری کرده است؟ آیا ...

پای صحبت حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر محمّدین بهرام محمدیان، رئیس «سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی» می‌نشینیم و از وی درباره‌ی «نام‌های قرآن و مناسبت‌های آن» سؤال می‌کنیم:

● قبل از آن که به سؤال درباره‌ی «نام‌های قرآن و مناسبت‌های آن» بپردازیم، خوش‌حال خواهیم شد اگر توضیحی درباره‌ی کاربرد واژه‌ها و اصطلاحات ارائه بفرمایید.

● اصطلاحات و واژه‌هایی که محققان و صاحب‌نظران به کار می‌گیرند، دارای مدالیل و مفاهیمی است که باید همراه با طرز تفکر و اندیشه‌ی خاص آن محقق و صاحب‌نظر که به موجب آن

خاص در آن سامانه‌ی فکری دیگر پردازیم.

یقیناً، جست‌وجو کردن مفهوم «تقوا» با آن بار ارزشی، در اندیشه‌ی سرمایه‌داری غرب، یا مفهوم «اقتصاد آزاد» و رقابت بین افراد در یک نظام اقتصاد برنامه‌ای دولتی، و یا «دموکراسی» با تکیه‌گاه‌های اومانیسستی و لیبرالیستی در اندیشه‌ی اسلامی، از اشتباهات است. باید متذکر این نکته شوم که تفاوت‌ها در این مقام، خیلی عمیق‌تر و پرشکافت‌تر از تفاوت معانی و مفاهیم در عرف خاص و عام است. شاید به همین دلیل خداوند متعال از همان اول نزول وحی، در مورد مجموعه‌ی وحی خویش، اصطلاحات خاصی را به کار برده که پیش از آن سابقه نداشته است.

● این تفاوت فقط در حوزه‌ی معناست یا در مورد مجموعه‌ی لغات به کار رفته در قرآن نیز صادق است؟

در پاسخ به این سؤال سخنی از جاحظ را که سیوطی در «الاتقان» آورده است، نقل می‌کنم: «خداوند کتابش را به گونه‌ای متفاوت با عرب نام‌گذاری کرده است. مثلاً عرب بر مجموعه سخنان خود نام دیوان می‌نهد، در حالی که خداوند آن را کتاب نامید. به جای قصیده، هر بخش از آن کتاب را سوره و به جای بیت، آیه نام‌گذاری کرد.» اگر خداوند متعال قرآن را دیوان و سوره را قصیده و آیه را بیت و اواخر آیات را قافیه می‌نامید، تعبیر جاهلی تحقق می‌یافت و قرآن کریم در سیر استعمالات و عرف و عادات رایج جاهلیت می‌افتاد.

اما با وجود آن که نزول این کتاب با عنوان «قرآناً عربیاً» و با زبان «عربی مبین» است، ولی در اصطلاحات و به‌کارگیری واژه‌ها و الفاظ، راه و روشی را می‌پیماید که متناسب با جهان‌بینی و مفاهیمی است که خود آورده و حامل ارزش‌هایی است که خود بدان‌ها ارجح می‌گذارد. سبب و انگیزه‌ی این کار علاوه بر آن چه ذکر کردیم، می‌تواند دلایل زیر نیز باشد:

● اول آن که واژه‌ها و اصطلاحات جاهلی، یقیناً از تحمل معانی جدید اسلامی قاصر و عاجز بود و نمی‌توانست بار ارزشی و معنوی خاص و مورد نظر اندیشه‌ی اسلامی را حمل کند. لذا وضع جدیدی را در الفاظ لازم می‌نمود که واضع آن شریعت اسلامی بود.

● دیگر این که اسلام به عنوان شریعت الهی، نوید دهنده‌ی فرهنگ و تمدن نوین و جدیدی بود که می‌خواست آن را بر پایه‌ی مفاهیم و ارزش‌های اصیل جهان‌بینی توحیدی بنیان نهد. بنابراین از همان اوان در شکل و ساختار ظاهری آن نیز می‌خواست رنگ و صبغه‌ای متمایز و جدا از بیگانه داشته باشد. انتقال قبله از مسجدالاقصی به کعبه، قرار دادن اعیاد مخصوص

برای مسلمانان، نام‌گذاری غیرمسلمانان به جاهلی، همه دلایل این هستند که پیامبر اسلام (ص) به دستور خداوند به شدت به پی‌ریزی و ایجاد امتی مستقل و ممتاز از امت‌های دیگر که غرق در خرافه و جهالت‌های خویش بودند، علاقه داشت.

مثلاً با این که معنای دو واژه‌ی «راعنا» و «انظرنا» یکی است، چون واژه‌ی اولی مورد استعمال دیگران بود و از آن معانی دیگری نیز قصد می‌شد، خداوند دستور می‌داد: «یا ایها الذین امنوا لاتقولوا راعنا و قولوا انظرنا»: ای مؤمنان، واژه‌ی «راعنا» را به کار نبرید و به جای آن کلمه‌ی «انظرنا» بگویید [بقره/ ۱۰۴].

● در صحبت‌های قبلی خود به این نکته اشاره داشتید که اسلام در کنار نظام فکری و ارزشی خود، واژه‌های خاص این نظام را نیز همراه آورد. با در نظر گرفتن این موضوع، چگونه نام قرآن برای مجموعه‌ی کلام الهی انتخاب شد؟

● در واقع، مسلمانان نام قرآن را برای کتاب خدا انتخاب نکرده‌اند، بلکه خداوند این کتاب آسمانی را «قرآن» نامیده است. چنان که در همان سال‌های نخستین نزول وحی فرمود: «بل هو قرآن مجید فی لوح محفوظ». آری این قرآن بزرگوار الهی است، نوشته در لوح محفوظ [بروج/ ۲۱ و ۲۲]. و یا: «انه لقران کریم فی کتاب مکنون». که این قرآنی ارجمند، در نوشته‌های نهفته است [واقعه/ ۷۷ و ۷۸].

مفهوم واژه‌هایی هم‌چون «آزادی»، «حق» و «عدالت» در طرز تفکر اسلامی با مفهوم این الفاظ در اندیشه‌های مغایر با اسلام تفاوت و اختلاف اساسی دارد

خداوند متعال علاوه بر این توصیف عالی و زیننده در سال‌های نخستین، خطاب به پیامبر (ص) چنین می‌فرماید: «یا ایها المزمّل قم اللیل الا قلیلاً. نصفه اوا نقص منه قلیلاً. اوزد علیه و رتل القرآن ترتیلاً»: ای جامه به خود پیچیده، شب را زنده‌دار جز اندکی. نیمی از شب و یا کمتر از آن یا افزون‌تر بر آن. قرآن را شمرده و با درنگ بخوان [مزمّل/ ۱ تا ۴].

این فرمانی است که خداوند خطاب به رسول مکرم خویش صادر می‌کند تا با قرائت قرآن، آماده‌ی ابلاغ امر مهم رسالت شود، و رسالت مسئولیتی بس عظیم است که آمادگی می‌خواهد. از آن پس، این نام بارها در قرآن به کار رفته است. کلمه‌ی قرآن

واژه‌ها و اصطلاحات جاهله، یقیناً از تحمل معانی جدید اسلامه قاصرو عاجز بودند و نمی‌توانستند بار ارزشه و معنی خاص و مورد نظر اندیشه‌ی اسلامه را حمل کنند. لذا وضع جدیدی در الفاظ لازم می‌نمود که واضع آن شریعت اسلامه بود

می‌دانند. از آن جمله‌اند: اشعری (متوفی به سال ۳۲۴ ه.ق) که معتقد است، لفظ قرآن از «قرن» مشتق است. عرب چون چیزی را به چند دیگر ضمیمه کند، گوید: قرنت الشیء بالشیء». هم‌چنان که جمع میان «حج و عمره» را حج قرآن گویند. دیگری قرآن (متوفی به سال ۲۰۷ ه.ق) است که گوید: قرآن از قرائن «جمع»، «قرنیه» گرفته شده است؛ زیرا آیاتش همانند یکدیگرند.

شافعی متوفی به سال ۲۰۴ ه.ق) نیز می‌گوید: کلمه‌ی «القرآن» با الف و لام تعریف، نه مشتق است و نه مهموز، بلکه علم ارتجالی است و بدون آن که سابقه استعمال در زبان عربی داشته باشد، خداوند سخنان خود را که بر پیامبر اسلام (ص) نازل فرموده، «قرآن» نامیده است.

● «کتاب» هم از نام‌های متواتر کلام الهی است. این واژه به چه معنایی است و آیا در همه‌ی موارد کاربرد کلمه‌ی «کتاب»، منظور قرآن کریم است؟

● کلمه‌ی کتاب در قرآن حدود ۲۵۰ مرتبه به کار رفته است که در اکثر موارد، منظور از آن قرآن است. کتاب در اصل لغت به معنی گردآوردن حروف و ترسیم الفاظ است و هر نوشته‌ای را از این جهت کتاب می‌نامند. قرآن را نیز بدین علت کتاب نامیده‌اند که در آن آیات، قصص و احکام گردآمده است. به عنوان نمونه این‌آیه را ملاحظه فرمایید که کلمه‌ی «کتاب» در آن آمده و مراد از آن «قرآن» است: «الر، تلك آیات الكتاب و قرآن مبین» [حجر/ ۱]. ذکر این نکته شاید خالی از فایده نباشد که قرآن در میان منابع فقه اسلام، به عنوان «کتاب» نامیده می‌شود؛ چنان که گویند: منابع فقه اسلام عبارت است از: کتاب (قرآن)، سنت، اجماع و عقل.

● «فرقان» نیز از اسامی قرآن است. در مورد وجه تسمیه این واژه نیز توضیح دهید.

● کلمه‌ی فرقان هفت بار در قرآن به کار رفته است که گاهی، تورات منظور بوده است و گاهی نیز مراد از آن قرآن است. نخستین بار در سوره‌ی فرقان، بیست و پنجمین سوره‌ی

افزون بر ۶۰ بار (در حالات متفاوت نحوی) در خصوص این کتاب آمده است.

● دانشمندان اسلامی در مورد ریشه‌ی کلمه‌ی قرآن و تناسب به‌کارگیری آن به عنوان نام مجموعه کلام الهی چه نظریاتی دارند؟

● علمای اسلامی در باب ریشه و اشتقاق کلمه‌ی «قرآن» نظریات گوناگون دارند، اما به طور کلی نظریات دانشمندان در این باره بر دو پایه‌ی اساسی است: اول این که آیا ریشه‌ی اصلی این کلمه مهموز (همزه‌دار) است یا نه؟ دسته‌ای از علما معتقدند که در ریشه‌ی این کلمه، همزه وجود دارد و عده‌ای دیگر آن را «صحیح» و بدون همزه دانسته‌اند. هر چند آنانی هم که ریشه‌ی آن را مهموز می‌دانند، باز در معنی آن اتفاق نظر ندارند. زیرا این کلمه در معانی متعددی به کار رفته است.

از جمله اقوالی که در باب «مهموز بودن لفظ قرآن» آمده، این نظرات است: اول، قولی از عبدالله بن عباس (متوفی به سال ۶۸ ه.ق) نقل شده است که «قرآن» بر وزن «رجحان» از «قرائت» مصدر «قرء - یقرأ» به معنای خواندن آمده است. علاوه بر وی، لحنیانی و چند تن دیگر می‌گویند: «کلمه‌ی «قرآن» مصدر مهموزی است بر وزن «رجحان و غفران»، مشتق از «قرء»، یعنی «خواند» و «کتابی که خوانده می‌شود، به این اسم نامیده می‌شود. چنان که مفعول را به نام مصدرش می‌خوانند. مثلاً مکتوب که «نوشته شده است»، «کتاب» خوانده می‌شود. در این جا هم «مقروء» که به معنای «خوانده شده است»، قرآن نامیده شده است.

قول دیگری از قتاده (متوفی به سال ۱۱۸ ه.ق) است که نقل کرده‌اند او می‌گوید: «قرآن» مصدر و یا صفتی است برای «قرء» از باب اول و سوم ثلاثی مجرد، به معنی «جمع کردن». او شاهد می‌آورد، وقتی عرب چیزی را گرد آورد و پاره‌ای بر پاره‌ی دیگر می‌افزاید، می‌گوید: «قرات الشیء قرأنا»، یعنی چیزی بر آن افزودم.

از ادبیات دیگر، زجاج تقریباً این نظر را پذیرفته و می‌گوید: کلمه‌ی قرآن مهموز است بر وزن فعلان و غفران، مشتق از «القرء» به معنی جمع. چنان که «قرء الماء فی الحوض»، یعنی آب در حوض جمع شد.

اما مناسبت این معنا را با «قرآن» گفته‌اند این است که حروف، کلمات، آیات و سوره‌ها همه در آن جمع آمده‌اند، یا این که حقایق و احکام و معارف و تعالیم عالی‌ه‌ی دینی که در کتب پیشین پراکنده بودند، در این یک مجموعه فراهم آمده و به هم پیوسته‌اند.

عده‌ای دیگر از صاحب‌نظران، لفظ قرآن را بدون همزه

خداوند کتابش را به نام «ذکر» نامیده است تا بندگان بدانند که باید همیشه آن را به یاد داشته باشند و بدان عمل کنند. خداوند به وسیله‌ی آن، احکام و فرایض خود را به بندگان یادآور می‌شود

کلمه از واژه‌های اصیل عربی است که در موارد متعددی در قرآن استفاده شده و در بعضی موارد، مُراد از آن قرآن است؛ آن‌جا که می‌فرماید: «انا نحن نزلنا الذکر و انا له لحافظون». و همانا ما هستیم که ذکر (قرآن) را فرستاده‌ایم و خود نگه‌دار آن هستیم [حجر/ ۹]. یا این‌که در مقام دیگر می‌فرماید: «هذا ذکر مبارک: این قرآن ذکر مبارک است [انبیاء/ ۵۰]». خداوند کتابش را به این نام نامید تا بندگان بدانند که باید همیشه آن را به یاد داشته باشند و بدان عمل کنند. خداوند به وسیله‌ی آن، احکام و فرایض خود را به بندگان یادآور می‌شود.

● **آیا کلام الهی قرآن به نام‌های دیگری نیز خوانده شده است و اگر چنین است، سر نهفته در پس این نام‌ها چیست؟**

● نام‌هایی که به آن‌ها اشاره شد، رایج‌ترین و مشهورترین نام‌های قرآن هستند. ولی گروهی از دانشمندان اسلامی، در مقام شمردن نام و نشانه‌های قرآن دچار مبالغه شده‌اند تا جایی که **زرکشی** در کتاب «البرهان» به نقل از **قاضی شیدله**، ۵۵ نام برای قرآن شماره می‌کند. البته این سخن درست به نظر نمی‌رسد، چرا که وی نام‌گذاری را با توصیف و اسم را با صفت آمیخته است و بیشتر کلماتی که به عنوان نام‌های قرآن ذکر کرده، اوصاف کتاب خداوند هستند که در آیات قرآن در مورد خود قرآن به کار رفته‌اند. ولی صدق استعمال این اوصاف درباره‌ی قرآن، نمی‌تواند دلیل این باشد که آن‌ها اسامی قرآن هستند.

آن‌چه که قاضی شیدله در باب اسامی قرآن شمرده است، از این قرار است: کتاب، مبین، قرآن، کریم، کلام، نور، هدی، رحمت، فرقان، شفاء، موعظه، ذکر، مبارک، علی، حکمت، حکیم، مصدق، مهیمن، حبل، صراط مستقیم، قیم، قول، فصل، بناء عظیم، احسن الحدیث، مثانی، متشابه، تنزیل، روح، وحی، عربی، بصائر، بیان، حق، علم، تذکره، عروه الوثقی، عجب، صدق، عدل، امر، منادی، بشر، مجید، بشیر، نذیر، عزیز، بلاغ، قصص، صحف، مکرمه، مرفوعه و مطهره.

چنان‌چه ذکر شد، همه‌ی این کلمات اسامی قرآن نیستند، بلکه بیشتر آن‌ها اوصاف این کتاب آسمانی هستند. به هر صورت، قرآن به هر نامی که نامیده شود. عبارت است از سخن اعجاز‌آمیز پروردگار متعال و بلندمرتبه که بر قلب پاک رسول مکرّم خود - که درود و صلوات نامتنهائیش بر او و خاندان پاکش باد - نازل شده و در مصاحف نگاشته شده و با سلسله‌ی سند متواتر از پیامبر اکرم (ص) نقل شده و به دست ما رسیده است. تلاوتش عبادت است و آیاتش پر حلاوت و شنیدنش روح‌بخش است و جان‌افزا.

قرآن که حدود سال ششم بعثت نازل شده، به معنی قرآن به کار رفته است؛ آن‌جا که می‌فرماید: «تبارک الذی نزل الفرقان علی عبده لیكون للعالمین نذیرا» [فرقان/ ۱]. آخرین بار هم در اوایل سوره‌ی آل عمران به همین معنی وحی آمده است، این نام از همان آغاز اسلام رایج بوده، چنان‌که در روز «بدر» از **علی بن ابی طالب** (ع) نقل شده است که در میدان نبرد این چنین می‌خوانده است:

فجاء بفرقان من الله منزل مبینه آیاته لذوی العقل وجه تسمیه‌ی قرآن را به نام این چنین گفته‌اند: ریشه‌ی این کلمه معنی «تفرقه و جدا کردن» را دربردارد و چون قرآن، فارق میان حق و باطل است و آن دو را از هم جدا و مشخص می‌سازد، فرقان نامیده شده است. برخی دیگر را عقیده بر آن است که قرآن از این جهت به فرقان نامیده شد که این کتاب آسمانی «انسان را به نجات و موفقیت نائل می‌سازد و آیه‌ی «یا ایها الذین آمنوا ان تتقوا الله یجعل لکم فرقانا» [انفال/ ۲۹] نیز مؤید همین معنی است؛ زیرا کلمه‌ی فرقان در این آیه به معنی «نجات دادن» است.

● **«تنزیل» نیز نامی دیگر است که به نظر می‌رسد در کلام الهی، در اشاره به قرآن کریم به کار برده شده است، این واژه بیانگر چه معنایی است؟**

● کلمه «تنزیل» هم نامی از نام‌های قرآن است. این کلمه چندین بار در قرآن به کار رفته و از کلمات عربی اصیل است. خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: «وانه لتنزیل رب العالمین» [شعرا/ ۱۹۲]. کلمه‌ی تنزیل بیانگر این است که قرآن وحی خداوند است که به پیغمبر اسلام می‌رسد و از نزد خدایش تنزیل پیدا می‌کند و بر قلب مبارک پیامبر اسلام (ص) فرود می‌آید. بعضی دیگر از کلمه‌ی تنزیل، نزول تدریجی قرآن بر پیامبر اکرم (ص) را استفاده کرده‌اند.

● **آیا «ذکر» هم به عنوان نام قرآن در آیات آن به کار رفته است؟**

● بله، «ذکر» هم یکی دیگر از نام‌های قرآن کریم است. این

مبوع از: مصاحف که کتاب «اولت قرآن» است.